

بحران در گروه بین‌المللی دلالان مذاکرات

نرگس چهرقانی

خبرنگار گروه سیاست

در این روزها که مذاکرات در وین به مراحل حساس خود نزدیک شده است، خبر به بن‌بست رسیدن مذاکرات، شاید خبر جدیدی نباشد. ماه قبل و حتی دوماه پیش، چنین خبرهایی منتشر می‌شد؛ مانند صحبت‌های لیزا تراس، وزیر امورخارجه انگلیس که وضعیت گفت‌وگوها را رسیدن به بن‌بست خطرناکی در مذاکرات می‌دانست. پازل صحبت‌های مقامات رسمی طرف غربی و آمریکایی باجوسازی رسانه‌ای و فضاسازی نیز همراه می‌شد. به‌طوری‌که همزمان با اظهارات مقامات غربی روزنامه السیاسه کویت یا روزنامه وال‌استریت‌ژورنال هم مدعی شدند مذاکرات به بن‌بست رسیده است. اخیراً نیز علی واعظ، مشاور تیم مذاکره‌کننده آمریکا در وین، در کلاب‌هاوس مدعی شد مذاکرات برجام شکست خورده است و طی چند روز گذشته، اتحادیه اروپا به آمریکا برای بررسی گزینه‌های جایگزین جلسه برگزار کرده‌اند. چند ساعت بعد از انتشار این خبر واعظ آن را تکذیب کرد و گفت: «کلی نقل‌قول غیردقیق از من شده است. معیار، صحبت‌های خودم و توثیق‌هایم است. من نگفتم مذاکرات شکست خورده. گفتیم با توجه به بن‌بست ایجادشده، غرب درمورد گزینه‌های دیگر بحث کرده است.» این صحبت‌های واعظ البته واکنش فعالان سیاسی را به‌دنبال داشت، برخی با استناد به صحبت‌های وی سعی داشتند مذاکرات وین را پایان‌یافته جلوه دهند و برخی دیگر نیز معتقد بودند واعظ و سایر چهره‌های رسانه‌ای امثال وی که به محافل غربی وابسته‌اند با بیان چنین سخنانی قصد فشار به تیم مذاکره‌کننده کشورمان برای نادیده گرفتن خطوط قرمز ایران را دارند. در پایان مذاکرات برجام در سال ۹۳ هم مشخصا چنین فضاسازی‌های رسانه‌ای و برنامه‌ریزی شده‌ای از سوی طرف غربی و آمریکایی باعث عقب‌نشینی تیم مذاکره‌کننده ایرانی از خطوط قرمز خود شد که تبعات آن، توافقی ناپایدار بدون انتفاع کامل ایران از آن بود. اما اینکه واعظ وامثال او با چه رویکردی، توافق ناپایدار را می‌خواهند به ایران تحمیل کنند، موضوعی است که در این گزارش به آن خواهیم پرداخت. به همین جهت در سه بخش خطوط قرمز ایران و عبرت‌پایان مذاکرات در سال ۹۳ و گروه‌هایی که امثال واعظ به آن وابسته‌اند را بررسی کرده‌ایم.

۱۱۱ مهم‌ترین خطوط قرمز ایران در مذاکرات هسته‌ای

اغلب موضوعات یا پراترژیهایی که در مذاکرات ایران با طرف غربی و آمریکایی باز می‌ماند و روند رسیدن به یک توافق برد-برد را کند می‌کند، اصرار و فشار طرف غربی و آمریکایی بر نادیده گرفتن و عدول از خطوط قرمز ایران است. البته در توافقی که تیم مذاکره‌کننده قبلی ایران (تیم دولت

روحانی، تیم ظریف) به‌دست آورد، بسیاری از این خطوط به علل مختلفی -که در بخش‌های دیگر از این گزارش به آن خواهیم پرداخت- نادیده گرفته شد، به همین جهت تیم مذاکره‌کننده فعلی در زمان شروع مذاکرات اعلام کرد انتخاب قطعی ایران عدم عبور از خطوط قرمز در مذاکرات وین است. این خطوط قرمز شامل هفت بخش اصلی می‌شود. یکم، عدم‌پذیرش محدودیت‌های بلندمدت. در این قسمت ایران محدودیت‌هایی اعلام از ۱۲ سال و ۱۲ ساله یا بیشتر را نمی‌پذیرد. دوم، ادامه تحقیق و توسعه و ساخت‌وساز در زمان محدودیت. با توجه به پیشرفت تکنولوژی، نیاز روزافزون به انرژی هسته‌ای برای جایگزینی سوخت فسیلی، اهمیت این خط قرمز مشخص می‌شود. سوم، لغو فوری تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی هنگام امضای موافقت‌نامه و سایر تحریم‌ها در فواصل معقول. این بخش یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که تیم ظریف آن را به‌درستی درنظر نگرفت و به‌جای لغو تحریم‌ها به تعلیق آنها رضایت داد. درحالی‌که تعلیق تحریم‌ها تنها نمایشی ظاهری از لغو تحریم‌هاست و درعمل برآورد اقتصادی برای ایران نداشت و ندارد. در این دور از مذاکرات هسته‌ای (دور هشتم) نیز مانند سال ۹۲ و ۹۳ بحث تعلیق تحریم‌ها مجدداً ازجانب طرف غربی و آمریکایی مطرح شد؛ یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا برای تحت فشار قراردادن ایران از بازگشت چند معافیت تحریمی و تعلیق تحریم‌ها در حوزه فنی-هسته‌ای مرتبط با نیروگاه بوشهر، رآکتور ازاک و رآکتور تحقیقاتی تهران خبر داد. تعلیق چند تحریم هسته‌ای که هیچ‌گونه تأثیر اقتصادی به‌همراه ندارد، بیش از آنکه نشانه‌ای از حسن‌نیت آمریکا تلقی شود، عبور از خط قرمز ایران برای لغو تحریم‌ها است. با نقض خط قرمز سوم در مذاکرات سال ۹۲ و ۹۳، خط قرمز چهارم نیز از دستورکار دولت روحانی خارج شد و اجرای تعهدات ایران منوط به تعلیق تحریم‌ها شد. درحالی‌که بارها ازسوی اسناد بالادستی بر این مورد تأکید شده بود. از دیگر خطوط قرمزى که در توافق برجام نادیده گرفته شد و در عین حال به اهرم فشاری در دست آمریکا افتاد، مقرر کردن هر اقدامی به گزارش آژانس است. آژانس در تمامی فضاسازی‌های رسانه‌ای طرف غربی و آمریکایی نشان داده که هم مستقل نیست، هم تحت‌تأثیر این کشورهاست. درحالی‌که به گفته کارشناسان بین‌الملل، آژانس بیشترین بازدید در جهان را از مراکز هسته‌ای ایران داشته و بیشترین دسترسی را ایران به آژانس داده است. با این‌حال آژانس در نقش پلیس بد، بارها در مذاکرات دور هشتم و هفتم به تیم مذاکره‌کننده ایرانی برای دسترسی بیشتر به مراکز هسته‌ای ایران فشار آورده است. در همین راستا اخیراً نیز رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بحبوحه مذاکرات وین از سفر احتمالی خود به ایران خبر داده است. خط قرمز ششم، مخالفت با بازرسی‌های غیرمتعارف، پرس‌وجو از شخصیت‌های ایران و بازرسی از مراکز نظامی است. و در آخر، برای هر موضوعی که در

سیاست

چرا علی واعظ و جریان رسانه‌ای نزدیک به کاخ سفید نمی‌توانند ایران را به سمت توافق بد ببرند؟

خبر درحالی منتشر شد که آغازی بر روندی فرسایشی بود که توافقی بد را برای ایران به‌دنبال داشت. در آن ماه و آن سال مشخص نبود تیم ظریف از خطوط قرمز ایران عبور کرده یا طرف آمریکایی از خواسته‌های خود عقب‌نشینی کرده است، تنها مورد واضح و مشخص، روند جدید در مذاکرات وین بود؛ روند جدیدی که انتخاب تیم مذاکره‌کننده ظریف از ترس به بن‌بست رسیدن مذاکرات آن را انتخاب کرده بودند. اگرچه این نوع تغییر روند و امتیازدهی به طرف غربی ریشه در ورود غلط دولت روحانی به مذاکره دارد، اما با این حال نقش فضاسازی رسانه‌ای طرف غربی و آمریکایی در فشار به تیم مذاکره‌کننده ایرانی برای عبور از خطوط قرمز ایران قابل چشم‌پوشی نیست؛ فضاسازی رسانه‌ای که هم‌اکنون با گذشت بیش از ۶ سال از برجام و در دور جدید مذاکرات وین در دولت جدید ایران نیز ادامه داشته است و در مقطع فعلی جریان‌اتی آن را رهبری می‌کنند که گروه بین‌المللی بحران یکی از آنها در مقطع فعلی محسوب می‌شود.

۹ چرا این «گروه بین‌المللی» به‌دنبال «بحران» است؟
با همه اینها، سوال اینجاست که کنشگری اعضای گروه بین‌المللی بحران با رویکرد فعلی، چه اثرات مستقیم یا حتی غیرمستقیمی بر روند مذاکرات وین خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش زمانی در دسترس‌تر خواهد بود که بدانیم رئیس و مدیرعامل سابق این سازمان به‌ظاهر مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی، رابرت مالی، نماینده ویژه دولت فعلی آمریکا در امور ایران است. مالی در دولت باراک اوباما نیز به‌عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور و هماهنگ‌کننده کاخ سفید در امور غرب آسیا و شمال آفریقا فعالیت می‌کرد. علاوه‌بر این، گروه بین‌المللی بحران، بین‌فعالان سیاسی و رسانه‌ای همواره به‌عنوان اندیشکده‌ای شناخته می‌شود که نفوذ بسیار بالایی بر ساختار حکومتی آمریکا به‌خصوص بر سیاستمداران دموکرات در این کشور دارد و به‌نوعی، می‌توان این سازمان را، مجموعه‌ای تأثیرگذار بر تصمیم‌های سازمان سیا و دستگاه سیاست خارجی آمریکا به‌خصوص در دوره دموکرات‌ها دانست. بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد چرا کنشگری‌های رسانه‌ای و میدانی این «گروه بین‌المللی» که با هدف ایجاد «بحران» در روند مذاکرات میان ایران و کشورهای ۴+۱ که هم‌اکنون هشتمین دور آن درجریان است، افزایش چشمگیری داشته. اما بحرانی که این سازمان ظاهراً مستقل اما واقعاً اثرگذار بر تصمیم‌های وزارت امور خارجه آمریکا در مواجهه با ایران به‌دنبال آن است، چیست؟ ابتدا باید به این نکته توجه داشت که باتوجه به سابقه فعالیت‌های این گروه در مواجهه با دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، می‌توان با یک سیر منطقی به اهداف و چهارچوب‌های اعمالی و نه اعلامی این سازمان دست یافت. و درنتیجه با ادراک این اهداف ثابت و چهارچوب‌های از پیش تعیین‌شده، می‌توان به فهم

سیدمصطفی خوش چشم، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بلا تکلیفی Pmd دست غرب را برای بهانه‌گیری باز می‌گذارد

برای بایدن پیش آمده، شکست مذاکرات وین وضعیت را برای بایدن بدتر خواهد کرد. طرف آمریکایی اگرچه سعی دارد در جنگ اراده‌ها امتیاز بیشتری بگیرد و این تلاش ممکن است کار را به قهر بکشد اما به‌خوبی می‌داند به توافقی نیازمند است؛ چراکه هیچ ابزار دیگری برای مهار ایران در وزارت خارجه و اندیشکده‌های آمریکا پیش‌بینی نشده است. بنابراین غربی‌ها همچنان به‌دنبال دستیابی به توافقی با ایران هستند تا بتوانند به گام‌های بعدی استراتژی مهار فکر کنند.

آیا طرف ایرانی این آمادگی را دارد که حتی به قیمت شکست مذاکرات از خطوط قرمز منطقی خود کنار نیاید؟

ایران فارغ از بازی‌های طرف مقابل تنها منافع ملی کشور را در نظر دارد و به توافق بد رازی نمی‌شود. ایران به‌خوبی می‌داند که امتیازات نهایی به‌ویژه مسائل پادمانی ارزشی به‌مراتب بیشتر از چیزی دارد که تا الان روی آن توافقی صورت گرفته است. کماکان طرف آمریکایی درحال به تهدید انداختن نتیجه نهایی مذاکرات است و طبیعتاً اگر به تشدید این روند تهدیدآمیز ادامه دهد مسئولیت هرگونه عدم توافق نیز برعهده اوست.

درصورت به شکست انجامیدن مذاکرات احتمالاً طرف غربی بازی رسانه‌ای خود را علیه ایران آغاز می‌کند، به‌نظر شما انتشار مشروح مذاکرات درصورت به شکست انجامیدن مذاکرات نمی‌تواند فضای ایجادشده علیه ایران را خنثی کند؟

ما در این زمینه از ابتدا باید بهتر عمل می‌کردیم. از آغاز طرف آمریکایی با طرح و برنامه‌ای اطلاعات را تا سطحی به‌نحو منتشر می‌کرد که بتواند از بازوی رسانه‌ای خود در تقابل‌ها استفاده کند. درحال حاضر این اتفاق تکرار می‌شود. ما یک فرصت خوب چندماهه داشتیم تا اطلاع‌رسانی جدی‌تری کنیم تا در شرایط کنونی که طرف غربی به‌دنبال مقصرنمایی ماست نتواند توفیقی به‌دست آورد اما متأسفانه به‌نحو مناسبی از این فرصت بهره‌برداری نشد. اگرچه زمان زیادی از دست رفته اما هنوز هم این امر برای ایران یک ضرورت است تا در استراتژی جنگ نرم خود تجدیدنظر کند و به‌شکل پویاتری از این ابزار کمک بگیرد تا مردم ایران و جهان با واقعیات آشنا و متوجه شوند که حقیقتاً کدام‌یک از طرف‌ها با رویکرد زیاده‌خواهانه خود پیشرفت مذاکرات و حصول توافق را تهدید می‌کند.